■ سال بیست‌وششم ■ شماره ۷۴۷۶ ■ سه‌شنبه ■ ۶ آبان ۱۳۹۹

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰

چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی/ چاپخانه جام‌جم برتر برنا

سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)

انتشارات موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲

http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۱/۴۸ | اذان مغرب ۱۷/۳۲ | نیمه شب شرعی ۲۳/۰۶ | اذان صبح فردا ۴/۵۹ | طلوع آفتاب فردا ۶/۲۳

سخن روز

امام علی (ع):
دانش، نابود کننده نادانی است.

تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص۴۴

همه مجوزهایی که صادر می‌شود، مجوزهای حداقلی است

شورای شعر و ترانه دفتر موسیقی «شورای به گزینی» یا شورای داوری انتخاب بهترین ترانه برای رویداد خاصی نیست که بخواهد بعد از بررسیِ آثار اثری را به عنوان شعر یا ترانه منتخب معرفی و فقط به آنها مجوز بدهد و اساساً همه مجوزهایی که در دوایر دولتی صادر می‌شود مجوزهای حداقلی است. یعنی در حوزه شعر معنی‌اش این است که فلان شعر یا ترانه حداقل‌های لازم را دارد. اما این حداقل‌ها لزوماً معرف یک ترانه کیفی است؟ قطعاً نه.

بخشی از گفت‌وگوی محمد اللهیاری، مدیر کل دفتر موسیقی با مهر

همه‌جابه
جست‌وجوی
آرامش برآمدم و
آن را نیافتم، مگر
نشسته در کنجی،
تک و تنها با کتابی
کوچک.

تولستوی و مبل بنفش
تینا سنکویچ
لیلا کرد

نـــگاره
سهیل محمدی

انسان، صنعت و طبیعت

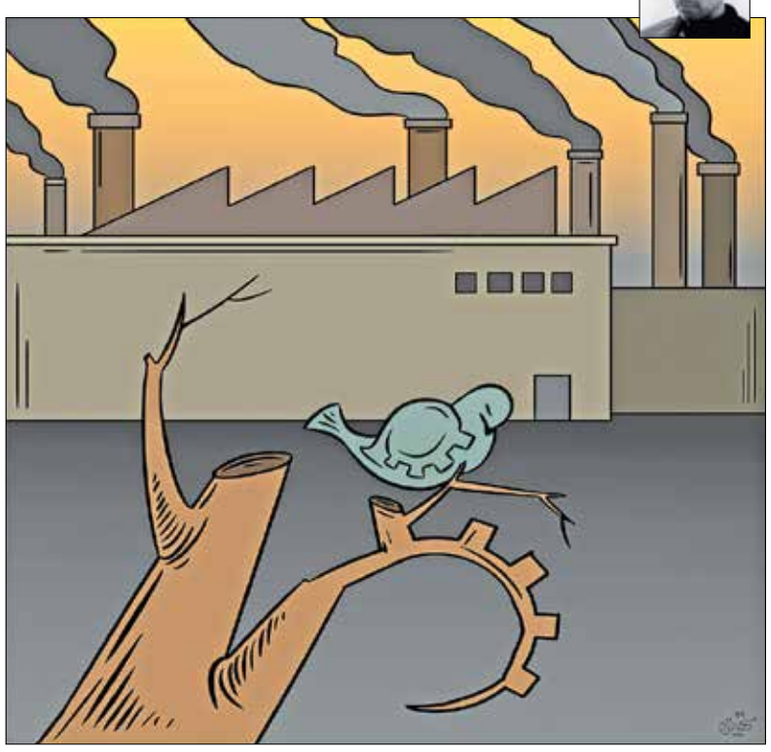

آثار مستند مصطفی فرزانه در «هاشور» به‌صورت آنلاین و رایگان به نمایش درآمده است

در اهمیت «فرزانه» بودن

یادداشت

همایون امامی
پژوهشگر و مستندساز

مصطفی فرزانه هم مثل خیلی از فارغ‌التحصیلان سینما در خارج از کشور، پس از فراغت از تحصیلات سینمایی اش از مدرسه مطالعات سینمایی (یا همان مدرسه ایدک فرانسه) به ایران بازمی‌گردد. او پیش‌تر فیلم «مینیاتورهای ایرانی»(۱۳۳۷) را ساخته است که با درخشش در جشنواره‌های جهانی نگاه‌ها را متوجه خود کرده است. در سال ۱۳۴۰ «کوروش کبیر» را می‌سازد. فیلمی که نخستین بار پرچم ایران را در جشنواره کن فرانسه به اهتزاز درمی‌آورد. بنابراین باید از فرزانه به‌عنوان نخستین و از معدود کسانی که با تولید فیلم مستند در متر و معیارهای جهانی، پای ایران را به جشنواره‌های معتبر جهانی باز کرد نام برد؛ و برای خلاقیت سینمایی و کارنامه‌اش ارزش و اهمیت قائل شد.

بعدها در سال ۱۳۴۵ فرزانه موفق می‌شود نخستین دوره آموزشی سینما را در وزارت فرهنگ و هنر برگزار کند. دوره‌ای که از سیستم آموزشی ایدک فرانسه الگوبرداری کرده و در تاریخ با عنوان «کلاس آموزش فنی و سینمایی وزارت فرهنگ و هنر» از آن یاد می‌شود. کلاسی پربار که در آن نسل موفقی از مستندسازان و فیلمبرداران و تدوینگران و طراحان صحنه ایرانی پرورش پیدا می‌کنند. از جمله مستندسازان موفقی چون محمدرضا اصلانی، زنده یاد منوچهر عسکری نسب و برخی از چهره‌های مهمی که به‌عنوان فیلمبردار - مهدی حسابی - تدوینگر - فریده عسکری - در سینمای مستند ایران منشأ برداشتن گام‌های مهمی به سوی پیشرفت و همسنگی با استانداردهای جهانی مستندسازی شدند.

جامعه هنری ایران اما فرزانه را نه بر مبنای کارنامه پربارش که با اعتبار دوستی با صادق هدایت می‌شناسد. موضوعی که اگرچه اهمیت خاص خودش را دارد ولی اهمیتی ذاتی را متوجه فرزانه نمی‌کند که بیشتر باید از منظر اهمیتی اکتسابی به آن نگریست. بگذریم از این که نزد آدم دیرآشنا و مردم گریزی چون هدایت باید به لحاظ فرهنگی و جنس و جنم، خوی و خصلت‌های چشمگیری داشته باشی تا توانسته باشی توجه او را جلب کنی و حتی او را به نامه نگاری با خود وادار کند که از یک نزدیکی فکری، روحی خبر می‌دهد.

تا به حال فرزانه را فقط با واسطه گواهی‌های تاریخی و در کتاب‌های تاریخ سینما می‌شد یافت و شناخت و دسترسی به آثارش اگر نه غیرممکن که بسیاربسیار دشوار بود. لیکن به همت رضا حائری و حمایت سایت مستند «هاشور» که به صورتی جدی بازنمایی آثار کلاسیک و روز سینمای مستند ایران را وجه همت خود قرار داده، مروری بر آثار مصطفی فرزانه برگزار خواهد شد که مجالی منحصر به‌فردی است در شناخت این شخصیت مهم سینمای ایران که همچون پیر و مرادش صادق هدایت حاشیه‌های گمنامی را به عرصه‌های قیل و قال ترجیح داد. فرصت بسیار مهمی است برای همه ما که باید از آن سود بجوییم. فرصتی که معلوم نیست با توجه به شرایط فرهنگی و اجتماعی امروز کشورمان در آینده به این زودی‌ها دست بدهد یا نه.

آن چند دقیقه طلایی

سایه روشن

محدثه واعظی پور
روزنامه‌نگار

احتمالاً اغلب شما سکانس گم شدن الی (ترانه علیدوستی) در فیلم ستایش شده «درباره الی» را به‌خاطر دارید، آخرین پلانی که ما در آن الی را می‌بینیم، او سرخوش مثل یک کودک کنار دریا با بادبادکی قرمز می‌دود، همه چیز آرام و عادی به‌نظر می‌رسد. مردان در ساحل والیبال بازی می‌کنند، بی‌خیال آنچه قرار است دقایقی بعد همه چیز را تغییر بدهد. نیمه دوم فیلم، پس از غرق شدن ناگهانی الی، سرنوشت روی تلخش را به دوستان قدیمی نشان می‌دهد و سفری که می‌توانست به یک پیوند عاشقانه ختم شود، فرجامی غیرقابل پیش‌بینی پیدا می‌کند. بسیاری از ما نه ماجرایی مشابه، اما تجربه‌ای از این جنس در زندگی داشته‌ایم. وقایع، رویدادها، همکاران و دوستانمان همانی نبوده‌اند که تصور می‌کردیم، زندگی آن طور پیش نرفته که به آن فکر می‌کردیم و برایش نقشه داشتیم. فرهادی در «درباره الی» دست روی واقعیتی گذاشته که بارها تجربه کرده اما معمولاً آن را فراموش کرده یا نادیده گرفته‌ایم. آدم‌های اطرافمان در شرایط مختلف، وجوهی متفاوت از شخصیت خود را به نمایش می‌گذارند و گاهی این واکنش‌ها آنچنان بعید و دور از ذهن است که همه باورهایمان را بهم می‌ریزد. در روزگاری که منفعت طلبی و فردگرایی تقویت شده، دوستان و نزدیکان هم می‌توانند وقتی نفعشان در خطر است، واقعیت را کتمان کنند، آنها قادرند در فاصله چند دقیقه و فقط به خاطر یک بحران یا رخداد، روابطشان را با شما تغییر بدهند یا نقششان را در این روابط عوض کنند. از قالب دوست به نقش دشمن بروند یا ترسناک‌تر از این، تصمیم بگیرند شما را از هستی ساقط کنند. این گونه، لنگرهای عاطفی و ریسمان‌های معنوی که باید جان و روحمان را آرام و امن نگه دارند مخدوش و پاره می‌شوند و امنیت روانی پایین می‌آید. تعداد کمی از آدم‌ها در آن دقایق طلایی، در آن مرزی که باید بین درستی و نادرستی، صداقت و بی‌صداقتی و واقعیت و دروغ انتخاب کنند، جایی می‌ایستند که اخلاق حکم می‌کند. آنهایی که تجربه چنین روابطی را دارند، یعنی در بزنگاه سمت درست ایستاده‌اند و مبهوت چرخش آدم‌ها شده‌اند، خودخواسته منزوی‌تر و تنهاتر می‌شوند و ترجیح می‌دهند دیگر وارد چنین بازی‌های عجیبی نشوند. در «درباره الی» دوستان قدیمی ظاهراً از مهلکه رها می‌شوند اما واقعیت این است که زندگی همه آنها از جمله سپیده (گلشیفته فراهانی) به قبل و بعد سفر تقسیم می‌شود. آنها برای رها شدن از فشار یک حادثه، حادثه‌ای که هریک را به نحوی درگیر کرده ترجیح می‌دهند واقعیت را جور دیگری (به نفع اکثریت) بازتعریف کنند. فیلم با تلاش جمعی شخصیت‌ها برای خارج کردن اتومبیل از میان شن‌های ساحل تمام می‌شود. کنایه‌ای به تلاش برای بازگشت به زندگی عادی، زندگی پیش از حادثه، پیش از انتخاب دروغ و مصلحت اندیشی. اتفاقی که بسیاری از ما هر روز با آن مواجهیم، یا آن را به‌عنوان یک شیوه انتخاب کرده‌ایم. اما واقعیت این است که زندگی بعد از این بحران‌های اخلاقی بزرگ، هرگز به مسیر عادی بازنمی‌گردد. لنگرها از بین می‌روند، باورها فرو می‌ریزند و ارزش‌های اخلاقی لرزان و سست می‌شوند. ما هم در این پوچی غرق می‌شویم.

«هفت الف» اولین گام موسیقی پارسا خائف

چی بشنویم

نیما جوان
مدیر شرکت نشر و پخش جوان

آلبوم «هفت الف» به آهنگسازی مهیارعلیزاده و خوانندگی «پارسا خائف»، استعدادی است که به‌ثمر رسید. پارسا خائف را در برنامه «عصر جدید» دیده‌ایم و این برنامه برای پارسای نوجوان چراغ راه شد، مانند بسیاری از استعدادهای موسیقی در این سرزمین که معمولاً به‌ثمر نمی‌رسند، اما برای پارسا سرنوشت جورِ دیگری رقم خورد، پارسا از دو چیز بهره بُرد، بسترِ مالی مُهیا که بواسطه حمایتِ بانک ملی ایران که در آن برنامه قولِ حمایت داده بود و مشاورانی کار بلد و دلسوز و فهیم و همه چیز با وسواس و دقت انتخاب شد، مهم‌ترین بخش انتخابِ اشعار و آهنگسازی بود، در اینجا شعر بسیار مهم بود، چرا که مخاطب می‌خواهد بداند از زبانِ یک نوجوان چه اشعاری شنیده خواهد شد اما در مجموع اثریِ خلق شده است که برای همه گروه‌های سنی، از نوجوان تا سالمند، قابل شنیدن و همذات پنداری است.

اشعار استفاده شده در این اثر از شاعرانِ صاحب سبکی چون هوشنگ ابتهاج، محمد علی بهمنی، مولانا، اهورا ایمان و گلچین گیلانی و همچنین دو قطعه از آثار نوستالژیک و جاودانِ موسیقی آذربایجان انتخاب شده است. پارسا خائف در این راه از هدایت‌های آهنگسازی با تجربه و موفق چون مهیار علیزاده بهره برده است، درنگاه اول شاید پذیرفتن چنین پروژه‌ای برای آهنگسازکاری پرچالش باشد اما علیزاده به عقیده نگارنده حامی بزرگِ این پروژه است، چرا که برای او که با خوانندگانِ بزرگی همچون همایون شجریان و علیرضا قربانی کار کرده، اعتماد به یک نوجوانِ با استعداد یک ریسک حرفه‌ای است که هر کسی آن را نمی‌پذیرد و پارسا در این آلبوم بخوبی جواب اعتماد آهنگساز را داده است، چرا که با یکی از آلبوم‌های خوب مهیار علیزاده مواجه هستیم. این اثر گام محکم و استواری است که «پارسا خائف» بدرستی در اولین حضورش درعرصه موسیقی ایران برداشته و می‌تواند برای هم نسلانش که هنر آموزِ هستند، انگیزه و امید به‌همراه آورد.

آلبوم «هفت الف» اثری است در ژانر موسیقی ارکسترال ایرانی و مشتمل بر هشت قطعه که هفتم آبان ماه از سوی نشر و پخش جوان وارد بازار موسیقی خواهد شد.

#بورس

هشتگ

سقوط شاخص بورس دیروز هم خبرساز شد و سهامداران فعال در شبکه‌های اجتماعی درباره‌اش نوشتند. تجمع تعدادی از سهامداران مقابل مجلس برای اعتراض به شرایط بازار بورس هم باعث شد بیشتر به این مسأله پرداخته شود: «سقوط آزاد بورس. ۳۰ دقیقه پس از آغاز معاملات بازار بورس و ریزش ۲۵ هزار واحدی»، «مگه تو رشد بازار از کسی تشکر کردید که الان تجمع اعتراضی کردید. جمع کنید این مسخره‌بازی رو وجهه بازار رو خراب نکنید هرکی ندونه الان فکر می‌کنه بورس کلاً کلاهبرداریه. اینجا بورس هست. پرریسک‌ترین بازار. خاله‌بازی که نیست»، «همکلاسی دانشگاهمو کیا یادشونه؟ همونی که چون بهش نگفتم چه سهمی بخره دیگه جوابمو نداد. امروز دیدم نوشته، اونی که منو تشویق کرد بیام بورس، بیاد جوابگو باشه. تا بوده همین بوده، سود مال خودشون نوبت ضرر که شد کی بود، کی بود من نبودم»، «هیچ نگرانی از بورس و ریزش‌ها ندارم چون با پول کم و سیو سودهای مناسب خرید کردم اما اعتمادی که از بازار رفت آسون برنمی‌گرده متأسفانه»، «امروز هم قدیمی‌ها یا کسانی که دانشی دارند، با آرامش خاطر درحال رصدکردن شرایط، بهینه‌سازی پورتفو و تعیین نقطه ورود مناسب برای تعویض سهام یا ورود نقدینگی جدید هستند؛ اما مردم عادی به دلیل کرونا کسب و کارشان کساد شده، به دلیل تورم قدرت خریدشان نصف شده و بورس هم دارایی‌شان را ربع کرده»، «دیدی گفتم پولتو نبر تو بورس (امشب در سراسر خانواده‌های ایرانی)»، «مشکل بنیادی داستان بورس اینه که اصولاً بازار سهام جای مناسبی برای سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت نبوده، نیست و نخواهد بود؛ چون رشد و سقوط بخشی از ذات بازاره. بهترین کارکرد بورس برای مردم عادی، سرمایه‌گذاری درازمدت (مثلاً برای دوران بازنشستگی) است.»، «این کینه کسانی که تا حالا سهامدار نبودند و یا خیلی وقته نقد کردند نسبت به بورس و سهامداران واقعاً جالبه. از صبح که تصویر اعتراض سهامداران اومده، همه تخیل و طنازیشون رو جمع کردن تا با آب رفتن سرمایه مردم نمک بریزن. حتماً روزای خوب برمی‌گرده و چهره شما دوستان دیدنی می‌شه.»، «این که یه عده رفتن جلوی مجلس اعتراض که چرا از بورس حمایت نمی‌کنین یه چیزی هست که فقط تو ایران می‌بینیم. ما خودمون تقاضا داریم که بورس دولتی بشه با این کارا، ولی درواقع چیزی که هست اینه که ما خواستاریم که کاری نداشته باشن، مثل قبل عید، نون خودمونو تحلیل‌هامونو می‌خوردیم»، «جناب آقای آذری جهرمی! کسی نیست در فضای مجازی جلوی کسانی که خود را کارشناس بورس یا ایجنت می‌نامند و ۶ ماه است به مردم وعده رشد از شنبه را می‌دهند بگیرد؟ نابود کردن هستی مردم جرم نیست؟».

شهروند مجازی
یگانه خدامی

روزگار کرونا

ماجرا

آمار مبتلایان و قربانیان کرونا دیروز هم زیاد بود و عدد ۳۳۷ کشته پس از یک هفته دوباره تکرار شد. در شبکه‌های اجتماعی هم تعداد کسانی که به کرونا مبتلا شده‌اند زیاد است و درباره بیماری‌شان می‌نویسند. گله از کسانی که ماسک نمی‌زنند و اتفاقات عجیب این روزها را هم بین نوشته‌ها می‌بینیم: «دوست رفیقمون می‌خواسته بره سفر تست کرونا داده. از آزمایشگاه زنگ زدن که مثبتی اما اگر میخوای سفرت لغو نشه میتونم منفیش کنم ولی هزینه داره. اینم تلفنو قطع کرده پاشده رفته کرد دوباره ماسکش رو گذاشت. لطفاً ماسک میدید دفترچه راهنماش رو هم بدید»، «تقریباً تمام افرادی که اطرافم هستن قبلاً کرونا گرفتن یا حال حاضر درگیرن!»، «داره میشه یه سال و هیچ دورنمایی برای تموم شدن این وضعیت هم نداریم.»، «دکتر قدیر رئیس دانشگاه علوم پزشکی قم میگه: افرادی که مبتلا به کرونا هستند خیلی دیر به مراکز بهداشتی و درمانی مراجعه می‌کنند و همین هم موجب کند شدن روند درمان میشه و حتی متأسفانه فوت می‌کنند. کرونا داشتن جرم و مایه خجالت نیست اگر دستورات بهداشتی و رعایت نکنیم باید خجالت بکشیم»، «شهر کوچیک ما جزو شهرای پرخطر کروناست. همه مشغول ددر و دودور هستن. اولین نفری که امروز دیدم یه پیرمرد بود و بهم گفت: من دیگه ماسک نمیزنم و به کرونا باور ندارم!»، «توی داروخونه یارو با ماسک روی چونه چسبیده بهم یهو برگشتم توی صورتش و گفتم آقا من کرونا دارم میخوای دوتا سرفه توی صورتت بزنم که خیالت راحت بشه؟ فحش داد و دور شد.»، «عجیب‌ترین‌ها در این دوران برام اونایین که می‌رن کافه و رستوران سقف‌دار، خوش و خرم، شاد و خندان. واقعاً عجیبن.»، «۳۳۷نفر دیگه کم شدیم.»

اونجا پیش رئیس آزمایشگاه داد و بیداد که این چه وضعیه؟ رئیس هم برگه‌شو آورده گفته خانم شما جواب آزمایشت منفیه...»، «۳۳۷ ضرب‌در چند؟»، «آقاهه ماسکش رو درآورد، عطسه

به نام تاریخ

■ ۶ آبان

۲۲۲ روز از سال گذشته است؛ در این روزهای تلخ و سخت با نگاهی به دنیای هنر و فرهنگ و چهره‌های آن سعی می‌کنیم زندگی را کمی آسان‌تر بگذرانیم.

■ **تولدها**

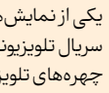

چنگیز جلیلوند: دوبلور خوش صدای ایرانی امروز ۸۰ ساله می‌شود. چنگیز جلیلوند کارش را با تئاتر در سال ۱۳۳۶ آغاز کرد و پس از آن وارد دوبله شد.؛ پس از پیروزی انقلاب اسلامی چند سالی ایران نبود اما از سال ۷۷ و پس از بازگشت به کشور کارش را با دوبله از سر گرفت. او در سال‌های فعالیتش به جای شخصیت‌ها و بازیگران مشهوری مانند مارلون براندو، پل نیومن، پیتر اوتول و کلینت ایستوود صحبت کرد و صدایش را در فیلم‌هایی مانند «دزیره»، «اتوبوسی به نام هوس»، «در باراندار»، «کنتسی از هنگ گنگ»، «بیلیاردباز»، «پرنده باز آلکاتراز»، «زوربای یونانی»، «نابخشوده»، «قتل در قطار سریع السیر شرق» و «کتاب سبز» شنیدیم. جلیلوند چند سالی است که بازیگری هم می‌کند و تاکنون در سریال‌های «معمای شاه»، «نوشدارو»، «یلدا» و «عبور از پاییز» بازی کرده است.

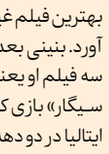

سیلویا پلات: شاعر سرشناس امریکایی سال ۱۹۳۲ در چنین روزی به دنیا آمد. سیلویا پلات از کودکی شعر می‌گفت و اولین شعرش در ۸ سالگی در روزنامه بوستون هرالد منتشر شد. اولین مجموعه شعرش سال ۱۹۶۰ با نام «بچه غول» منتشر شد و پس از آن «کلوسوس و اشعار دیگر»، «آریل»، «گذر از آب»، «درختان زمستانی» و «مجموعه اشعار» از او منتشر شد. از سیلویا پلات یک رمان به‌نام «حباب شیشه ای» به جا مانده که سال ۱۹۶۱ منتشر شد و یک رمان زندگینامه‌ای بود. سیلویا پلات سال ۱۹۶۳ به‌دلیل خودکشی درگذشت.

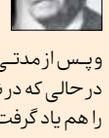

روبرتو بنینی: کارگردان و بازیگر محبوب ایتالیایی سال ۱۹۵۲ به دنیا آمد. روبرتو بنینی کارش را با تئاتر آغاز کرد و سال ۱۹۷۱ برای نخستین بار روی صحنه رفت. سال ۱۹۷۵ با کارگردانی و بازی در یکی از نمایش‌های جوزبه برتولوچی به شهرت رسید و بازی در سریال تلویزیونی «Ondi libera» باعث شد یکی از محبوب‌ترین چهره‌های تلویزیونی شود. سال ۱۹۷۷ با بازی در فیلم «برلینگر دوستت دارم» وارد سینما شد اما آنچه که باعث شهرت جهانی بنینی شد بازی در فیلم «ماه» و نقشی بدون دیالوگ به کارگردانی برناردو برتولوچی بود. «شیطان کوچک» نخستین فیلمی بود که توسط بنینی کارگردانی شد. فیلمی محصول سال ۱۹۸۸ که خودش هم در آن بازی می‌کرد. «جانی استکانیو»، «هیولا»، «زندگی زیباست»، «پینوکیو» و «ببر و برف» دیگر فیلم‌هایی بودند که او کارگردانی کرد و فیلم «زندگی زیباست» برایش اسکار بهترین فیلم غیرانگلیسی زبان و بهترین بازیگر نقش اول را همراه آورد. بنینی بعد از سفر به امریکا و آشنایی با «جیم جارموش» در سه فیلم او یعنی «مغلوب قانون»، «شب روی زمین» و «قهوه و سیگار» بازی کرد. او یکی از چهره‌های شاخص فرهنگی و هنری ایتالیا در دو دهه اخیر بوده است.

● **سینا سرلک** خواننده، **نیکولو پاگانینی** نوازنده ویولن و آهنگساز ایتالیایی و **غلامحسین اولاد** شاعر هم متولد امروز هستند.

■ **درگذشت‌ها**

حسین یاحقی: آهنگساز و نوازنده ویولن و کمانچه سال ۱۳۴۷ در چنین روزی درگذشت. حسین یاحقی متولد ۱۲۸۲ بود از کودکی با موسیقی آشنا بود، البته ابتدا خوانندگی می‌کرد و پس از مدتی نواختن کمانچه را یاد گرفت؛ بعد از کمانچه و در حالی که در نواختن این ساز استاد شده بود سه تار و ویولن را هم یاد گرفت و مدتی بعد ویولن ،ساز تخصصی اش شد. او در نواختن ویولن سبک تازه‌ای برای موسیقی ایرانی ایجاد کرد که ماندگار شد. حسین یاحقی بیش از ۵۰۰ آهنگ، پیش درآمد و ترانه ساخته که از بهترین آثار موسیقی کلاسیک ایران هستند. «برق غم»، «جوانی»، «بی خبر» و «گل مستان» از ماندگارترین آثار اوست.

شاهین سرکیسیان: پایه‌گذار تئاتر نوین ایران سال ۱۳۴۵ در چین روزی درگذشت. شاهین سرکیسیان سال ۱۲۸۹ در بلغارستان به دنیا آمد. پدرش از ارامنه ایران بود و او پس از تحصیل در فرانسه در رشته تئاتر در سال ۱۳۱۵ به ایران بازگشت و به‌عنوان منتقد هنری در نشریه ژورنال دو تهران فعالیت کرد، البته همزمان در گروه‌های تئاتری فردوسی، سعدی و آناهید هم کار می‌کرد. او که از سال ۱۳۳۰ همراه جوانان علاقه‌مند به تئاتر مانند علی نصیریان، جمشید لایق، عباس جوانمرد، بیژن مفید و جعفر والی کار می‌کرد در سال ۱۳۳۵ گروه هنر ملی را پایه‌گذاری کرد که در واقع باعث شکل‌گیری تئاتر مدرن ایران شد. سرکیسیان نمایشنامه‌های مطرحی مانند «عقاب دو سر» و «مرغ دریایی» را هم به فارسی ترجمه کرد و نمایش‌هایی مانند «در انتظار گودو»، «افول»، «مرده خورها» و «آواز قو» به کارگردانی او اجرا شدند.

عکس نوشت

کیهان کلهر نوازنده پروژه «راهی به سوی ایران» شد که توسط گروه آنسامبل زهی «آمستردام سینفونیتا» هلند اجرا می شود. دراین کنسرت «هفت گاه معلق» از فرخزاد لایق اجرا می‌شود و کیهان کلهر، نوازنده میهمان سولیست قطعه «آتشگاه» از جاکوبسن (جاده ابریشم) خواهد بود.

علاوه بر این قطعه‌ای از کیهان کلهر برای کمانچه و ویولنسل برای نخستین بار اجرا می شود. کیان سلطانی ویولن سولیست، قطعات فولک شیراز را به روایت رضا والی (آهنگساز)، اجرا خواهد کرد و در پایان کیهان کلهر و کیان سلطانی با ارکستر زهی، قطعه‌ای را از آهنگساز جاز را میرانت تریو، رامبرانت فریش، خواهند نواخت. اجرای این کنسرت از ۲۹ اکتبر (۸ آبان) در آمستردام آغاز می شود و به مدت یک هفته در شهرهای دیگر هلند ادامه پیدا می کند.